

چاپ سوم



# زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان

دکتر سعید برزین



**زندگینامهٔ سیاسی**  
**مهندس مهدی بازرگان**

Reza.Golshahan.com



**نشر مرکز**

برزین، سعید، ۱۳۲۴-

زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان / سعید برزین. - تهران: نشر مرکز،

۱۳۷۴.

هفت، ۳۵۷ ص. : (نشر مرکز) شماره نشر ۲۸۶

ISBN: 964-305-148-X

ص.ع. به انگلیسی:

Said Barzin: Bazargan, A Political Biography

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. بازرگان، مهدی، ۱۳۷۲-۱۳۸۶ - سرگذشتنامه. ۲. سیاستمداران ایرانی.

۳. نهضت آزادی ایران. ۴. نخست وزیران - ایران. الف. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۲۴۰۹۲

DSR ۱۵۲۹

ب س / ۲۱۳ ب

ب ۲ ب /

۱۳۷۴

۱۳۷۴



زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان

دکتر سعید برزین

طرح جلد از ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۷۴، شماره نشر ۲۸۶

چاپ سوم ۱۳۷۸، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ سعیدی

کلیه حقوق برای نشر مرکز محفوظ است

نشر مرکز، تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۵۴۱

ISBN:964-305-148-X

شابک: X-۱۴۸-۳۰۵-۹۶۴

**زندگینامهٔ سیاسی**  
**مهندس مهدی بازرگان**

**دکتر سعید برزین**



**نشر مرکز**

تقدیم به پدر و مادرم

Reza.Golshah.com

۱	مقدمه ناشر .....
۴	پیش‌سخن .....
۷	مقدمه .....
۱۲	<b>فصل اول: ریشه‌ها .....</b>
۱۲	خانواده .....
۱۷	اوضاع اجتماعی .....
۱۹	فرانسه .....
۲۸	بازگشت و خدمت در دولت .....
۳۸	بازرگان و حکومت رضاشاه .....
۴۴	<b>فصل دوم: اولین تجربه‌های سیاسی .....</b>
۴۴	تحولات ۳۲- ۱۳۲۰ .....
۴۸	بازیگران و نهادهای سیاسی .....
۵۲	فعالیت اجتماعی و سیاسی .....
۶۲	<b>فصل سوم: اخلاق اجتماعی اسلامی .....</b>
۶۲	آغاز نویسندگی (۳۲- ۱۳۲۰) .....
۶۸	اخلاق اجتماعی یا نقد اندیشه غیرمذهبی .....
۷۲	اندیشه کار یا نقد اندیشه سنتی .....
۷۷	میان‌روی یا نقد مارکسیسم .....
۸۴	وجدان حرفه‌ای مذهبی یا کار در اسلام .....
۹۱	استعمار .....
۹۹	<b>فصل چهارم: مقاومت در برابر کودتا .....</b>
۹۹	تحولات ۴۰- ۱۳۳۲ .....
۱۰۷	نهضت مقاومت ملی .....
۱۱۲	اندیشه ملی .....
۱۱۶	آزادی و حکومت مشروط به قانون .....
۱۱۹	رهبری نیرومند .....
۱۲۱	عدم تعهد در سیاست خارجی .....

۱۲۲	سازماندهی
۱۲۵	مذهب
۱۲۷	اختلاف داخلی
۱۳۰	فصل پنجم: قوانین تاریخی و اجتماعی
۱۳۰	اندیشه سیاسی
۱۳۲	سیر تکامل دین
۱۴۰	قانون طبیعی اجتماع
۱۴۸	فصل ششم: جنبه مذهبی میان مردم
۱۴۸	تحولات ۴۲ - ۱۳۴۰
۱۵۲	نهضت آزادی ایران
۱۵۴	هویت اجتماعی اسلامی
۱۶۶	حکومت دمکراتیک و مشروط به قانون
۱۷۲	مسائل تاکتیکی
۱۷۶	انقلاب سفید
۱۸۲	فصل هفتم: نفی استبداد
۱۸۲	در نفی استبداد
۱۸۶	۱- استبداد موجب بی ثباتی اجتماعی و عدم استمرار تاریخی است
۱۹۰	۲- استبداد و فساد اخلاقی و نفی ایمان مذهبی
۱۹۶	۳- استبداد و عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی
۲۰۰	فصل هشتم: مبارزه ایدئولوژیکی
۲۰۱	تحولات سیاسی ۵۶ - ۱۳۴۲
۲۰۶	مبارزه ایدئولوژیکی
۲۱۴	فصل نهم: ساختمان ایدئولوژی اسلامی
۲۱۴	قانون طبیعی
۲۲۰	آزادی
۲۳۲	اطاعت و عصیان اجتماعی
۲۳۷	صلح و جنگ
۲۴۳	اقتصاد اسلامی



۲۵۷	فصل دهم: انقلاب و دولت موقت
۲۵۸	تحولات سیاسی ۱۳۵۵-۵۷
۲۶۵	انتصاب دولت موقت
۲۷۲	استراتژی لیبرال دولت موقت
۲۷۳	محدودسازی دولت
۲۷۸	اصلاح دولت
۲۸۱	دمکراسی و آزادی‌های سیاسی
۲۸۵	فصل یازدهم: شکست جریان لیبرال
۲۸۵	حمله انقلابی مردم
۲۹۰	حمله نیروهای مذهبی
۲۹۴	بازرگان و رهبر انقلاب
۲۹۹	حمله نیروهای چپ
۳۰۴	فصل دوازدهم: حکومت قانون و دولت عوام
۳۰۴	سنت نوین اسلامی در ایران
۳۰۸	فعالیت‌های سیاسی بازرگان
۳۱۰	نهضت آزادی ایران
۳۱۲	زبان به مثابه ابزار سیاسی
۳۱۴	تکامل تفکر سیاسی
۳۱۷	زمینه کار
۳۱۹	دین
۳۲۱	روحانیون
۳۲۳	قانون طبیعی
۳۲۵	وجدان حرفه‌ای در اسلام
۳۲۶	آزادی انسان و دمکراسی
۳۳۰	هویت اجتماعی
۳۳۲	کمونیسم
۳۳۴	اخلاقیات
۳۳۷	اصلاح دولت
۳۴۱	فهرست آثار بازرگان
۳۵۱	فهرست راهنما

## پیش از مطالعه اصلاح فرمائید.

صفحه	سطر	فادرست	درست
۸	۷ از آخر	عملی	علمی
۱۳	۲	حاج سید حسین طباطبایی	حاج ملا مصطفی تبریزی
۱۴	۳ زیر نویس	اجرائی	اجرائی،
۲۵	۴ از آخر	درصد، مابقی،	درصد مابقی
۳۹	۲ زیر نویس	... حکمت	علی اصغر حکمت
۴۵	۱۰	۱۳۸	۱۳/۸
۵۳	۱ زیر نویس	۱۲۹۱	۱۲۸۷
۵۳	۱ زیر نویس	۱۳۵۹	۱۳۵۸
۵۴	۱ زیر نویس	۱۳۲۸	۱۳۱۸
۱۰۶	۱۹	شبهه	شبهه
۱۲۵	۲	۱۳۴-	۱۳۳۹
۱۳۵	۲ زیر نویس	علی عسگر	علی اصغر
۱۳۹	۱۶	می کند.	می کند که
۱۴۵	۹	سال ۱۳۳۰	دهه ۱۳۳۰
۱۵۳	۷	سنین	سنن
۱۵۳	۳ از آخر	۱۳۴۲	۱۳۳۹
۱۶۰	۱۰	آمرانه	غیر آمرانه
۱۶۲	۵ زیر نویس	با	را با
۱۸۰	۱۲	۳۲-۳۰	۴۰-۳۲
۱۹۷	۲۰	حق	در غرب حق
۲۱۳	۵ از آخر	در مسائل	در آن مسائل
۲۱۴	۳	۱۳۳۲	۱۳۳۲
۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱	زیر نویس، ۲ از آخر، ۳	اسلام شیعه	شیعه در اسلام
۲۴۴	۱۵	پاییز	تابستان
۲۵۰	۳ زیر نویس	محمود	محمد
۲۵۵	۲ از آخر	حکومتی	حکومت
۳۰۱	۳ زیر نویس	غرب	عرب
۳۰۸	۱۶	۱۳۱۵	۱۳۱۳
۳۱۸	۵	آگاهی فکر	آگاهی
۳۲۰	۵ زیر نویس	کتاب راهنمایی ابدلولوژیک اولیه	
۳۲۷	۱۶	انتخاب	اولین کتاب راهنمای ابدلولوژیک
۳۲۸	۳ زیر نویس	در برلین،	انتخابات
۳۳۰	آخر متن	سلطنت طلبانه	توسط برلین در
۳۳۹	۱۸	قانون	تجدد طلبانه
			قانون و

مرحوم جلال آل احمد از استاد خویش اقبال آشتیانی نقل کرده است که درباره‌ی هیچ واقعه‌ی تاریخی نباید داوری کرد مگر دست‌کم صد سال از آن گذشته باشد. اگر این حکم را که از بسیاری جهات منطقی است و استدلالی موجه پشت آن هست بپذیریم، ما که از زندگی مرحوم بازرگان آن فاصله‌ی زمانی لازم را نداریم ناچار باید قضاوت در باب زندگی و مبارزات و آراء و نظرات او را به یکی دو نسل پس از خود واگذاریم که میتوانند از موضعی بیطرفانه و بیرونی به رویدادهای دورانی جز دوران خویش بنگرند و چه بسا از واقعیت‌هایی باخبر شده باشند که فقط گذشت زمان میتواند آنها را آشکار سازد. اما این فقط یک روی مسئله است. هر چند قضاوت و حکم را بر عهده‌ی آیندگان نهاده باشیم ثبت و ضبط واقعیتها و رویدادها و نیز انتقال نظر و دید و برداشت معاصران درباره‌ی آنچه شاهد آن بوده‌اند همچنان بر عهده‌ی ما هست. چرا که بسیاری از نکاتی که ما امروز به سادگی به مقتضای زندگی خود در این روزگار از آنها باخبریم اگر ثبت نشوند و بر کاغذ نیایند چه بسا به تدریج غبار زمان بر آنها بنشیند و بر نسل‌های بعدی به کلی پوشیده بمانند.

بی تردید مرحوم مهندس بازرگان در صحنه سیاسی نیم قرن اخیر ایران چهره‌ای شاخص و پراهمیت بود و هیچ گرایش و جریان سیاسی نبود که او را نادیده بگیرد و موضعی مثبت یا منفی در برابر وی نداشته باشد. زندگی مهندس بازرگان چنان با رویدادها و تحولات سیاسی ایران معاصر گره خورده است که برای داشتن تصویری کامل از تاریخ معاصر ما، آگاهی از احوال و آثار و آرای او اجتناب‌ناپذیر است. جا دارد در همین زمان که اسناد و مدارک و سوابق و

خاطرات آسانتر و سراسر است‌تر در دسترس هست، هم‌عصرانش آنچه را درباره‌ی او میدانند و می‌اندیشند به صفحات تاریخ بسپارند.

طبیعی است که در چنین مواردی چون با تاریخی هنوز زنده سروکار داریم که معاصران خود با آن ارتباط و درگیری مستقیم دارند، در ارزیابی و تفسیر و تعبیر وقایع و حتا در ثبت و نقل آنها دیدگاههای گوناگون وجود دارد و هر چند کوشش شود با روشی محققانه و مستند و به دور از جانبداری و جهتگیری درباره‌ی این رویدادها بررسی و سخنی گفته شود، باز حصول اتفاق نظر و وحدت آرا به سادگی میسر نخواهد بود. و نویسنده و خواننده هر دو آگاهانه یا ناآگاهانه تلقی و موضع و ایستار خاص خود را در نگریستن به وقایع زمانه‌ی خویش دارند. لذا این کتاب و کتابهایی از این نوع و نقطه‌نظرهای مطرح شده در آنها احیاناً موافقان و مخالفانی خواهند داشت، جمعی را خواهند رنجاند و از تایید جمعی دیگر برخوردار خواهند شد. اما قصد از نشر کتاب نه آن رنجش بوده و نه این تایید، بلکه هدف فقط کمک به پیشبرد پژوهش تاریخی است و کوشش برای این که زمینه‌ی مساعدی برای طرح عقاید و نظرات و تعاطی آرا فراهم آید و هر مقوله و مطلب از دیدگاههای گوناگون بررسی و تحلیل شود و اساس کار برای رسیدن به حقیقت همچنان مفاد «... یستمعون القول فیتبعون احسنه» باشد.

موظفم از برخی محققان ارجمند که در نوشتن این اثر مرا همراهی کردند تشکر کنم. نخست سپاسگزارم از راهنمایی‌های سازنده دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان که متن را خواندند و کاستی‌های آن را گوشزد نمودند. من بیش از هر چیز مدیون نظریه‌های دقیق و عالمانه ایشان درباره تحولات سیاسی در تاریخ معاصر ایران هستم. همچنین باید قدردانی کنم از پرفسور ایان هامپشایر - مانک استاد صاحب کرسی تاریخ اندیشه سیاسی در دانشکده علوم سیاسی اکستر انگلیس که راهنما و مشوق من بودند و به خصوص در شکل دادن روش تحقیق مرا یاری کردند. دکتر چارلز دیویس نیز تمام متن را خواندند و نکات مبهم فنی آن را مشخص نمودند. دکتر هوشنگ شهابی بخش‌هایی از متن را خواندند و نظر دادند. همچنین سپاسگزارم از خانم عفت مطیعی که زحمت خواندن چندباره متن و تصحیح آن را کشیدند. ضروری است از آقای علیرضا رمضانی، مدیر عامل نشر مرکز، و تک‌تک اعضای محترم هیئت تحریریه که در انتشار این اثر موثر بودند تشکر کنم. سرانجام سپاس می‌گویم پشتیبانی همسرم را که با درگیزی چند ساله من در این تحقیق ساخت و خم به ابرو نیاورد. نیاز به تاکید نیست که کاستی‌های اثر متوجه من است. من تنها مسئولیت آن‌ها را به عهده دارم.

سعید برزین

فروردین ۱۳۷۴

دانشکده علوم سیاسی اکستر

## پیش سخن

زندگی‌نامه‌نویسی به شیوه امروز در ایران نسبتاً تازه دارد. البته از دوران‌های قدیم «شرح و ترجمه احوال» داشته‌ایم. اما روش تحقیق و نحوه بیان در زندگی‌نامه‌نویسی مدرن با شیوه‌های قدیم بکلی متفاوت است. از جمله، «ترجمه احوال» در گذشته بیشتر برای بزرگانی نوشته می‌شد که هدف تجلیل و تقدیس صددرصد از آنان بود. و هم به این دلیل هم به موجب کمی اسناد و اطلاعات قابل اعتماد، کثرت افسانه درباره موضوع زندگی‌نامه و کاستی‌های روش‌شناختی، آنچه از یک چنین ترجمه احوالی برمی‌آمد از نظر تاریخی معتبر و مستند نبود.

اصولاً زندگی‌نامه‌نویسی نیز مانند تاریخ‌نگاری جدی از مقوله نقد و بررسی است. یعنی شرح واقعیات - که اگر درست انجام شود به خودی خود کار چندان آسانی هم نیست - مبنا قرار می‌گیرد تا در ضمن و بر مبنای آن تاریخ زندگی و آراء و ارزش‌های فرد در متن اجتماعی که در آن قرار دارد تحلیل شود. بنابراین، هدف از این کار نه باید مدح و ستایش و نه ذم و نکوهش باشد، اگرچه - درست به همین دلیل - هم نقاط مثبت و هم نقاط منفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

بد نیست که این نکته آخر را اندکی بشکافیم. در جامعه ما حتی تا این اواخر مرسوم بوده است که نقد - اعم از ادبی، تاریخی و اجتماعی - یا ستایش بی حساب و یا نکوهش بی تردید باشد. هنوز هم در خیلی از موارد این ویژگی به چشم می‌خورد. از سوی دیگر - و شاید درست به

خاطر این سابقه - بعضی از ناقدان و تحلیلگران جدی می‌پندارند که نقد در همه موارد باید ارزیابی متوسط و کاملاً خالی از نظر و تعهدی باشد که چند نکته مثبت و چند نکته منفی را در کنار هم ذکر می‌کند و - صریحاً یا تلویحاً - به این نتیجه می‌رسد که «در هر جا و هر زمینه‌ای خوب و بد با هم وجود دارد.» اما این را نیز نمی‌توان نقد جدی پنداشت چون هر فردی، هر جنبشی، هر هنری، هر زمانی و هر شعری فقط مخلوطی از نکات مثبت و منفی نیست، یا اگر (در همه موارد) جز این چیزی نباشد دیگر نیازی به زحمت نقد و تحلیل و ارزیابی نخواهد بود؛ چون همین نکته می‌تواند به عنوان یک اصل مسلم در همه موارد تعمیم داده شود. در مورد بعضی از افراد و آثار - به دلیل خصلت و ماهیت خود آنان - این نکته صادق است، اما در مورد خیلی دیگر حرف‌های دقیق‌تر و مشخص‌تری می‌توان زد که هم حقیقتی را بشکافد و هم درسی بدهد. به زبان دیگر، برای نقد عالمانه و بی‌غرضانه، صرفاً ردیف کردن یک رشته نکات مثبت و منفی نه کافی است و نه حتی لازم. و در خیلی از تحلیل‌ها و بررسی‌های درست می‌توان برای فرد یا آثارش ارزش زیادی قائل شد، بدون این که نقد و بررسی به سطح تقریظ و مجامله فرود آید؛ یا ارزش کمی داد، بدون این که بحث و تحلیل به بدگویی کاهش یابد.

روش کار دکتر سعید برزین در این دفتر از زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان اصولاً بر این مبنا قرار دارد، یعنی نه ستایش یا بدگویی است، نه تعاشی از تحلیل و بررسی و اظهار نظر جدی که مبادا بگویند کار کاملاً بی‌غرضانه نبوده است. و مهم نیز همان روش کار است چون خواننده هوشمند می‌تواند بر اساس اطلاعات درست و نقد صمیمانه به نتایج خود برسد که شاید در بعضی موارد با نتایج شخصی ناقد و نویسنده یکسان نباشد.

زندگی سیاسی مهندس بازرگان، با ویژگی‌های اساسی و گاه منحصر به فردی که دارد از هر نظر برای درک و تحلیل تاریخ ایران در قرن بیستم حائز اهمیت است. او فرزند یک تاجر مرفه تبریزی مقیم تهران است، با تعهد محکم و تقریباً حرفه‌ای و عالمانه به دیانت. از بچه‌های صدر

مشروطه که چند سال در فرنگ علوم جدید خوانده، و در عین حال مترصد اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن سامان بوده است. در سال‌های پس از بازگشت به ایران هم تعهد خود را به دین و مذهب و اخلاق دنبال کرده، هم کار علمی خود را ادامه داده، و هم برای اصلاح اجتماع - و بویژه به خاطر استقلال کشور و پیشرفت به سوی دموکراسی - در چارچوب نهضت ملی فعالیت مستمر داشته. و از مجراهای گوناگون یک چنین زندگی رنگارنگ و پرمajas است که هم رئیس دانشکده فنی شده هم رئیس شرکت ملی نفت؛ هم لوله‌کشی آب تهران را سرپرستی کرده هم به زندان افتاده؛ هم به خاطر دین و دموکراسی کوشش‌های قلمی و عملی کرده، هم رهبر سازمان سیاسی و دفاع از حقوق بشر شده و هم رئیس دولت موقت انقلابی که با چرخش‌های دیگر خود او را از خود ندانسته. از همین مختصر روشن است که زندگی چنین کسی با شرایط و تغییرات و تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ارتباط نزدیک بوده و به همین دلیل شرح و نقد و تحلیل آن خود یکی از راه‌های بررسی آن تغییرات و تحولات است.

به همه دلایل بالا کتاب آقای برزین کار ارزنده‌ای است که هم اهل تخصص و هم عموم درس‌خواندگان و روشنفکران از آن بهره خواهند برد.

محمدعلی همایون کاتوزیان

آکسفورد، آوریل ۱۹۹۲



## مقدمه

ایران در صد سال گذشته تغییرات عظیمی را دیده است شامل دگرگونی در تمام ابعاد زندگی اجتماعی. مهمترینشان عبارتند از فروپاشی نظام سنتی قاجار، انقلاب مشروطه، شکل‌گیری دولت نوین، حکومت آمرانه پهلوی، انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری. یکی از ویژگی‌های این تحولات، برخورد روشنفکران و اندیشمندان است با نیروها و اندیشه‌های متفاوت و گاه متعارض که در صحنه سیاسی و اجتماعی به قدرت رسیده و حاکم شده‌اند. این برخورد اشکال گوناگون داشته است، از جمله: مبارزه میان نیروهای طرفدار تغییر و تحول با حامیان نهادهای سنتی، مبارزه طرفداران حکومت‌های ملی با پاسداران نفوذ خارجی، مبارزه طرفداران دولت استبدادی و متمرکز با طرفداران به رسمیت شناختن حق مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی خود و مبارزه طرفداران پیشرفت و ترقی با عقب‌ماندگی مزمن اقتصادی.

در این چارچوب کلی می‌توان تک‌تک اندیشمندان اجتماعی و سیاسی را محک زد و موضعشان را نسبت به مسایل اساسی سیاسی یعنی شکل حکومت و مسئله استعمار و مشکل عقب‌ماندگی و شیوه تحول اجتماعی سنجید. می‌توان پرسید: چگونه آرمان‌های عمومی، چون آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی، را مفسرند؟ برای پیشبرد کار چه گفته‌اند؟ در میدان عمل چه کرده‌اند؟ تاثیر کارشان چه بوده است؟ در سیر تحول اندیشه جایگاهشان کدام است؟

در این تحقیق، از همین دیدگاه در اندیشه سیاسی مهدی بازرگان کندوکاوش کردیم. نتیجه کارمان این است که فکر او - که در عرض پنج دهه به رشته تحریر درآمد - چند ویژگی دارد: اولاً تلاشی برای تجانس و ترکیب جریان‌های متفاوت و گاه متعارض فکری حاکم در جامعه ایران است، ثانیاً از روش گفتگوی عقلی به جای سرکوب پلمیک (رایج در حوزه سیاسی ایران) استفاده می‌کند، ثالثاً بر استمرار و میانه‌روی به جای تغییرات ناگهانی و خشن تأکید دارد، رابعاً توانسته است به نوعی زبان مشترک میان جریان‌های متفاوت فکری دست یابد و خامساً گرایش انحصاری ندارد. البته این ویژگی‌ها را نباید از دید صرفاً مثبت ارزیابی کرد. در کشور ما که هنوز نهادهای سیاسی ریشه نگرفته‌اند و سنت گفتار و گفتگوی سیاسی ضعیف و چه بسا بی‌حضور است آن ویژگی‌ها می‌توانند ضعف سیاسی متفکر و کارگزار سیاسی تلقی شوند. در واقع اندیشمندان میانه‌رو مکرر با این مشکل مواجه‌اند. تلاششان برای نزدیک کردن جریان‌های متفاوت و متعارض فکری، آنها را از هر دو جریان منزوی می‌کند. تأکید بر اندیشه صرف سیاسی، آنها را به نوعی آرمان‌گرایی بدور از واقعیت سوق می‌دهد. میانه‌روی و تعادل در روش، پیش‌درآمد سیاست غیر واقع‌بینانه می‌شود. گفتگو نه تنها تفاهم نمی‌آورد که موجب خشم مخاطبان شده و اعلام همکاری به معنی باج دادن تفسیر می‌شود. تحقیق ما تلاشی است برای پاسخ به آن سوال‌ها و تبیین این ویژگی‌ها. این تحقیق را باید در جو کلی تحقیقات سیاسی در ایران ارزیابی کرد. اصولاً تحقیق سیاسی در ایران رایج نیست. نه به این خاطر که بدان نیاز نیست بلکه ضعف سنت تحقیق عملی و ضرورت‌های حکومتی مجال رشد نمی‌دهد. زمینه بکر است و راه دراز در پیش. البته طی چند دهه اخیر، به خصوص پس از انقلاب و شاید به خاطر آن، اساتید و محققان و دانشجویان و حتی کارگزاران دولت توجه بیشتری کرده‌اند. حقیقتاً هم آثار ارزشمندی ارائه شده است. تحقیقات دانشگاه‌ها، به خصوص اروپایی و امریکایی در حوزه تاریخ اجتماعی و سیاسی معاصر ایران هر روز بیشتر می‌شود. البته کار در مورد تاریخ اندیشه سیاسی کمتر شده است.

ما در این تحقیق از تحقیقات دانشگاهی بهره فراوان برده‌ایم. در واقع چارچوب تاریخی و سیاسی و فکری ارائه شده حاصل بررسی و جمع‌بندی آثار موجود است. اما در مورد بازرگان کارمان با استفاده از منابع دست اول پیش رفت. آثار بازرگان (از مقاله گرفته تا جزوه و کتاب) چند بار توسط شرکت سهامی انتشار (تهران) و مرکز پخش کتاب (هوستون امریکا) منتشر شده‌اند. به اضافه نهضت آزادی ایران در اوائل دهه ۱۳۶۰ جلد از اسناد خود را به زیور چاپ آراست و در اختیار علاقمندان گذاشت. انبوهی از اعلامیه‌ها و جزوه‌ها و منابع تبلیغاتی نیز در دسترس بود. رواج سنت حسنه خاطره‌نویسی سیاسی هم کمک بود و بر اطلاعات و تحلیل‌های جدید افزود. گفتگو با شخص بازرگان در تهران مکمل منابع شد.

همینکه بازرگان اولین کابینه بعد از انقلاب را تشکیل داد کافی است که نامش را در صدها کتاب و هزاران مقاله‌ای که درباره این دوره نوشته شدند بیاورد. اما تحقیقاتی که مشخصاً در مورد عمل و اندیشه سیاسی او باشند کم است. یکی از معتبرترین این آثار، کتاب ارزشمند دکتر هوشنگ شهابی با عنوان *نهضت آزادی ایران و سیاست و تجددطلبی مذهبی* (به زبان انگلیسی) است.<sup>۱</sup> ایشان به تفصیل تاریخچه نهضت آزادی را شکافته و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. این تحقیق اثر گرانمایه‌ایست که ما مفصلاً از آن بهره برده‌ایم. اما سعی شد این تحقیق در تکمیل آن کتاب باشد. دکتر شهابی بر جنبه‌های تاریخی و سازمانی و فعالیت سیاسی بازرگان و هم‌قطارهایش در نهضت آزادی تاکید دارند و ما بر جنبه فکری و ایدئولوژیکی گفتارش تاکید کرده‌ایم. باشد که کار ما مکمل آن تحقیق شود.

تحقیق ما به جهتی محافظه‌کارانه است. خود را به کار تعریف و بازسازی و هدف‌یابی گفتار سیاسی بازرگان محدود می‌کند و اصولاً،

1- Chehabi, H. *Iranian Politics and Religious Modernism: The Liberation Movement of Iran Under the Shah and Khomeini* (I. B. Tauris, London, 1990).

گرچه نه مطلقاً، از روش مقایسه می‌پرهیزد. این کار خود آگاهانه و به خاطر محدودیت تحقیقات موجود در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی در ایران بود. به عبارتی دیگر شاید ضروری است که محققان ارجمند نخست گفتارهای اساسی و ارکان گفتگو در حوزه سیاست معاصر ایران را مشخص کنند و سپس در پی جنبه‌های دیگر کار از جمله مقایسه برآیند. بدین ترتیب از مقایسه تحلیلی و موضوعی گفتار بازرگان با دیگر اندیشمندان ایرانی و خاورمیانه‌ای و غربی پرهیز شده است. اما بی‌تردید این مقایسه، به خصوص با اندیشمندان سیاسی غرب، و مشخصاً مصلحین مسیحی و متفکرین لیبرال و مدافعان حکومت مشروط به قانون و طرفداران حکومت عوام بسیار آموزنده است. باشد که این کار را دیگران پی گیرند.

روش تحقیق ما در این اثر به تدریج شکل گرفت و شاید این به نحوی در مقایسه فصل‌ها مشخص باشد. روش تحقیق ما بر چند محور تاکید دارد: تشخیص ایده‌های اصلی بازرگان، نحوه بحث، منابع الهام، ابتکارات فکری، حوزه‌های التقاط، جمع‌بندی مباحث مختلف، تناقضات منطقی، مخاطبان گفتار، هدف مبحث در رابطه با محیط، شواهد تاریخی ارائه شده، روش اصلی کار و ارزیابی تاثیر گفتار بازرگان در اوضاع سیاسی. به اضافه زمینه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فکری وقت را به اختصار و آن گونه که او می‌دید، و بیشتر، ترسیم کرده‌ایم.

نه!! آهسته‌تر!! پیش از آن که بروید، چند کلمه سخن دارم. من خدماتی به دولت کرده‌ام. همه می‌دانند؛ و بیش از این چیزی نمی‌گویم. اما از شما توقع دارم در نامه‌های خود، هنگام گزارش این وقایع [ ] از من چنان که هستم سخن بگوئید. نه از بار گناهانم بکاهید، و نه از سر بدخواهی چیزی بر آن بیفزائید.  
(تتلو، اثر ویلیام شکسپیر، صحنه آخر)

Reza.Golshahan.com

## فصل اول:

### ریشه‌ها

ریشه اندیشه اجتماعی مهدی بازرگان را باید در فضای خانواده مذهبی و بازاری، سر کلاس درس ابوالحسن خان فروغی، در انجمن کاتولیک پاریس، در لابلای روزنامه‌های جمهوریخواه فرانسه و سرانجام پشت میز شرکت مهندسی تهران جستجو کرد.<sup>۱</sup> دوران خانواده، دانشگاه و جوانی بازرگان، از ۱۳ تا ۳۳ سالگی همزمان است با دوران حکومت و سلطنت رضاشاه از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ شمسی. در این مرحله می‌توان شاهد رشد فکر مذهبی بازرگان بود که با تلقی علمی دبیرستانی درهم آمیخت، در فرانسه تجلی ملی و سیاسی پیدا کرد و در بازگشت به وطن عنصر تجدد را وجه غالب قرار داد. پس از سقوط رضاشاه، محتوا، آهنگ حرکت و گستردگی فکر اجتماعی و سیاسی بازرگان متحول شد. در فصل اول ریشه گرفتن اندیشه اجتماعی او را دنبال می‌کنیم.

### خانواده

جنگ میان مشروطه‌خواهان و طرفداران استبداد قاجار آغاز شده بود که مهدی بازرگان در تهران چشم به جهان گشود (۱۲۸۶). پدرش حاج عباس

---

۱- تمام آنچه که در این فصل آمده، مگر بخش‌هایی که مشخص می‌شود، به نقل از مصاحبه با بازرگان است در دی ماه ۱۳۶۸ خورشیدی در تهران و یا به نقل از کتاب بازرگان، مهدی، مدافعات، (انتشارات نهضت آزادی ایران - خارج از کشور - آمریکا، ۱۳۵۶).

قلی تبریزی موسوم به «آقا تبریزی» (۱۳۳۳-۱۲۴۷) فرزند حاج کاظم در ۱۸ سالگی از آذربایجان به تهران آمده و بانو صدیقه، دختر حاج سید حسین طباطبائی را به همسری گرفته بود. این زوج پنج پسر و چهار دختر به جهان آوردند که جملگی در فرهنگ فارسی تهران بزرگ شدند.<sup>۲</sup> آقا تبریزی مردی باهوش و زیرک بود. تاجری خود ساخته و ثروتمند که قبل از مهاجرت به تهران مکه رفته، حاجی بود. مدتی ریاست «هیئت تجارت» و «اطاق تجارت» تهران را به عهده داشت تا رضاشاه هر دو را برچید. میزان ثروتش را نمی‌دانیم اما رفت و آمدهایش نشان می‌دهد سری در سرها داشت. هم او بود که نام فامیل بازرگان را برگزید.

در دین، آقا تبریزی پایبند فرایض بود. درس مکتب داشت و قرآن می‌خواند. در مبارزه با «بی‌دینی و فحشاء» پیشگام می‌شد و در خانه جلسه بحث میان علمای مذهبی و مخالفین می‌گذاشت. تا آنجا که ما می‌دانیم در دین تعصب کور به خرج نمی‌داد. نمونه آن که فرزندانش را به زهر کتک مسلمان نکرد و مهدی را به فرنگ فرستاد. برپایی جلسات بحث و گفتگو اشاره‌ایست که برای تعقل و منطق قائل بود. برخلاف متعصبین مذهبی کتاب خارجی در خانه نگه می‌داشت و روزنامه‌خوان بود.<sup>۳</sup>

آقا تبریزی در امور اجتماعی دست داشت. در سال قحطی ایران در قرن گذشته چند بار گرفتار قحطی شد| همراه دیگر تجار بازار دارالاطعامی براه انداخت. در دوران انقلاب در زمره مشروطه‌خواهان درآمد و یک بار نیز، از طرف آذربایجانی‌های پایتخت کاندید مجلس شورای ملی شد اما رای کافی نیاورد. تماس‌های سیاسی‌اش خوب بود و

۲- در خانه آقای تبریزی به زبان ترکی آذری تکلم نمیشد چرا که مادر فارس بود و مهدی نیز هرگز تکلم آذری را نیاموخت. آنچه از فرهنگ آذربایجانی‌ها به جای ماند تعصب در صداقت پیشگی بود و پشتکار. در نوشته‌های بازرگان به ریشه‌های قومی خود اشاره‌ای نشده است.

۳- متعصبین می‌گفتند اگر کتاب فرنگی در خانه باشد تا هفت منزل فرشته‌ای نخواهد آمد.

منجمله با سید حسن مدرس و احمد شاه ارتباطاتی داشت. مورد مشاورت برخی از مراجع دینی، منجمله حاج عبدالکریم اصفهانی، قرار می‌گرفت. در دوران دولت دکتر محمد مصدق از آیت‌الله حسین بروجرودی، رهبر دینی وقت خواست که از اوراق قرضه ملی دولت حمایت کند.

آقا تبریزی در دوران سختی گلیمش را از آب بیرون کشیده بود. کودکی پسرش، مهدی، همزمان بود با فروپاشی نظام قاجار در دوران پس از انقلاب مشروطه، جنگ جهانی اول و سه شورش شمال (شیخ محمد خیابانی در تبریز، کلنل پسیان در خراسان و میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان) که به تشنج‌های اجتماعی افزود و نظام دولت را به مرز فروپاشی کشاند.<sup>۴</sup> هنگامی که مهدی بازرگان پا به دبیرستان گذارد رضاخان میرپنج کودتایش را به فرجام رسانده بود و می‌رفت تا به تدریج حکومت مطلقه خود را زیر پرچم سازماندهی نوین دولت، تجدد، تمرکزگرایی و ناسیونالیسم مسلط کند. آنچه که از نظر خانواده بازاری و مذهبی بازرگان قاعدتاً باید مورد توجه قرار می‌گرفت نخست مذهب‌زدایی رضاشاهی و سپس مهارسازی طبقه بازاری بوده است.

اهداف رضاشاه در قبال مذهب، دو گانه بود. از یک سو مذهب را علت و تجلی عقب‌ماندگی ایرانی می‌دانست و می‌خواست آن را از میان بردارد. از سوی دیگر در جامعه مذهبی یک دستگاه مستقل اجتماعی می‌دید. می‌خواست برای تحکیم حکومت مطلقه دولت این نهاد را از هم بپاشد و بدین ترتیب از ارتباط و تجمع آزادانه مردم جلوگیری کند.<sup>۵</sup>

۴- منظور ما از دولت تمامی آن دستگاهی است که بر ملت حکومت دارد. این دستگاه شامل سه قوه مقننه، اجرائیه و قضائیه است و پس تمامی سازمان‌های بورکراسی از جمله دستگاه اجرایی نیروهای مسلح، نبلیغات، مالی و غیره را در بر می‌گیرد. آنجا که اشاره به هیئت چند نفره‌ای باشد که در رأس دستگاه دولت امور را بدست دارد از اصطلاح کابینه استفاده خواهیم کرد.

۵- کاتوزیان، محمدعلی همایون. اقتصاد سیاسی ایران، (نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲)، بخش دوم.



رضاشاه همچنین سعی در مهار بازار داشت. مالیات‌های سنگین بر بازار بست، بازرگانی خارجی را به انحصار دولت درآورد و در امور صنفی تجار دخالت نمود.<sup>۶</sup>

پیامد مشخص این سیاست‌ها برای خانواده بازرگان این که هیئت نمایندگی تجار، که آقا تبریزی ریاستش را به عهده داشت، بسته شد و جلسات بحث فلسفی، که آقا تبریزی در منزل برگزار می‌کرد، به دستور شهربانی منحل گردید. علی‌رغم این فشارها به نظر می‌رسد وجه تجددطلبی آقا تبریزی و حمایتش از دستگاه بر جنبه مذهبی و بازاریش غلبه کرد و او از تحول دوران رضاشاهی استقبال نمود.<sup>۷</sup> باید گفت به همان اندازه که آقا تبریزی به طبقات جدید پیشرو و حاکم دوران پهلوی اول تعلق نداشت، به همان اندازه هم از قشر سنتی ماقبل پهلوی دور بود. به همین خاطر وی جلوه‌ای از اختلاف و جذب متقابل نسل سنتی با اقشار نوین اجتماعی ایرانی در آغاز قرن معاصر محسوب می‌شود.

بعد از خانواده، تاثیر عمده فکری بر بازرگان از مدرسه بود. نسبت به شرایط وقت تحصیلات بازرگان استثنایی بود، چرا که به مکتب سنتی نرفت و در یکی از مدارس جدیدالتاسیس سبک اروپا به درس نشست، نخست در دبستان سلطانی و سپس در مدرسه دارالمعلمین تهران.<sup>۸</sup> رئیس مدرسه دارالمعلمین، ابوالحسن خان فروغی<sup>۹</sup> نقش تعیین‌کننده‌ای در

6- Abrahamian, E. *Iran Between Two Revolutions*, (Princeton University Press, 1982) p. 151.

۷- ظاهراً وی به هر دو شاه پهلوی علاقه‌مند بود و همین علاقه موجب شرمندگی فرزند شد. ما به این مسئله در بررسی مسائل آذربایجان در دهه ۱۳۲۰ اشاره خواهیم کرد.

۸- در سال ۱۲۹۶ که بازرگان به دبستان سلطانی رفت مجموعاً ۵۶ دبستان و دبیرستان جدید در ایران بود و هنگامی که در سال ۱۳۰۳ در دبیرستان دارالمعلمین نام نوشت جمعاً ۷۲ دبستان و دبیرستان جدید در ایران مشغول به کار بود.

۹- برادر محمدعلی فروغی، آخرین نخست‌وزیر رضاشاه. احسان طبری درباره او نوشت محمدعلی خان در احیا و ترویج عرفان ایران، به عنوان فلسفه و جهان‌بینی رازوارانه می‌کوشید و تعلیمات عرفانی را در دروس وزارت فرهنگ رخنه داد. وی در یک

طرح زدن به اندیشه بازرگان جوان ایفا نمود. فروغی مردی بود فیلسوف‌منش و مورخ، در عین حال اهل دین و ایمان. هم درس «اکتشافات جغرافیایی» و «فلسفه» می‌داد و هم «تفسیر قرآن» می‌کرد. در یک کلاسش از مکاتب و مسایل جامعه سخن می‌گفت و در کلاس دیگر دانش‌آموزان را متوجه قرآن می‌کرد. بر سر تخته می‌نوشت: «لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (خدا قومی را تغییر ندهد تا آنچه را در ضمیرشان هست تغییر دهند).<sup>۱۰</sup> آیه‌ای که بعدها از شعارهای سیاسی بازرگان شد. فروغی گردش طبیعت را به زبان قرآن تفسیر می‌کرد. مثلاً در تایید آیه نور از تئوری‌های اپتیک Optic بهره می‌گرفت. می‌گفت برخلاف اعتقاد رایج مسلمانان که مکتب شناخت طبیعت را دهری مسلک می‌دانند باید خدا را در طبیعت جستجو کرد. هم از طریق فروغی بود که بازرگان با هیئت‌شناس و منجم کاتولیک فرانسوی فلاماریون آشنا شد و کتاب خدا در طبیعت او را خواند و تحت تاثیر افکار وی قرار گرفت.<sup>۱۱</sup>

در طول تحصیل مهدی بازرگان درس خوان بود و در کلاس پنجم و هشتم شاگرد اول شد. چون دبیرستان را به پایان رساند مشمول اعزام به خارج گردید. آن سال دولت همه فارغ‌التحصیلان را به خارج فرستاد. بازرگان در امتحان اعزام رتبه پنجم را بدست آورد. در میان رشته‌های تربیتی،

→ ترجمه آزاد از کتاب سیر حکمت در اروپا، به قلم مورخ فرانسوی فوئیه (Fauillet) خواسته نشان دهد که گویا فلسفه قرون اخیر در اروپا (لااقل از فلسفه امانوئل کانت) بشارتی است از عرفان هانری برگسون که خود پرتویی است از منبع عرفان شرقی بطور اعم و عرفان ایرانی بطور اخص. طبری، احسان. جامعه ایران در دوران رضاشاه (ناشر مشخص نیست. محل نشر مشخص نیست. ۱۳۵۶) ص ۱۰۹.

۱۰- قرآن، سوره رعد، آیه ۱۱.

۱۱- کامیل فلاماریون (Flamarion) که در سال ۱۳۰۴ شمسی درگذشت موسس رصدخانه ژوسی و انجمن ستاره‌شناسی فرانسه بود. بخاطر معرفی رشته ستاره‌شناسی به دریافت نشان اکادمی فرانسه نایل آمد. کتاب‌هایی درباره ستاره‌شناسی و خداشناسی نوشت. کتاب‌های خدا در طبیعت و جهان قبل از خلقت انسان از اوست. کتاب هیئت او را میرزا عبدالرحمان - طالبوف تبریزی - از زبان روسی به فارسی درآورد. آدمیت، فریدون. اندیشه‌های طالبوف تبریزی (چاپ پدیده، ۱۳۶۳، تهران، چاپ دوم).

علمی، فنی، حقوقی و مهندسی، آخری (مهندسی برق) را برگزید. مسئله دین و ایمان که می‌رفت تا بخش عمده‌ای از فکر و ذکر بازرگان را در سراسر عمر مشغول خود سازد هنگام عزیمت دانشجوی جوان تظاهر خاص خود را پیدا کرد. بازرگان بعدها گفت:

«بسیاری از پدرها و مادرهای ما و خود ما نگرانی و اصرار داشتیم که اگر در این سفر تحصیلی موفق نشدیم چیزی بدست بیاوریم، لااقل سرمایه قبلی و اخلاق و دین خود را از دست ندهیم... قبل از ترک ایران به پدرم گفتم اگر در ایران بمانم بی‌دین می‌شوم، اگر بروم یا همان بی‌دینی است و یا در ایمان قویتر خواهم شد.»<sup>۱۲</sup>

نمی‌دانیم اگر در ایران می‌ماند چرا بی‌دین می‌شد اما می‌دانیم که نزد احمد نخجوانی رفت - ملای کم‌پایه‌ای که نسبت خانوادگی داشت و در همسایگی می‌زیست. از او فتوا گرفت در مورد زندگی میان مسیحیان نجس و جامعه حرام خارجی. نخجوانی گفت اگر نیت تبلیغ اسلام باشد حلال است. به هر صورت و علی‌رغم تردیدها، امید دستیابی به افق‌های نو جای نگرانی را گرفت و دانشجوی جوان به استقبال سفر خارج شتافت.

## اوضاع اجتماعی

اگر بخواهیم نفوذ اندیشه مذهبی را بر زندگی بازرگان بفهمیم باید نگاه کنیم به تسلط فکر سنتی مذهبی بر فرهنگ عامه در آن سال‌ها. در آستانه قرن ۱۴ خورشیدی، زندگی در روستا و اغلب شهرهای کوچک ایران تغییر چندانی نسبت به شیوه زندگی سنتی چند سال پیش نکرده بود. تماس میان بخش‌های گوناگون کشور اندک و چه بسا ناممکن بود. مسافرت به بسیاری از نقاط مملکت، به خاطر عدم وجود راه‌های امن و هموار عملاً ناممکن بود. سیستم تلگراف به چند شهر بزرگ کشور محدود می‌شد. با معیارهای امروزی، زندگی در اغلب شهرها طاقت‌فرسا و ابتدایی بود. بیسوادی و خرافات عمومیت داشت. حتی در دهه ۱۳۱۰

۱۲- بازرگان، مصاحبه، ۱۳۶۸ و مدافعات، ص ۴۱.

که رضاشاه پس از تحکیم قدرت خود برنامه ساختمان نوین دولت را به راه انداخت، تنها حدود ۷۰۰ مدرسه جدید - و اصطلاحاً اروپایی - برای جمعیت ۱۰ میلیونی ایران وجود داشت.<sup>۱۳</sup>

نهادهای مذهبی، از جمله مساجد و مدارس علمیه و خانقاه‌های صوفیان، بودند که طبق سنت چند صد ساله، مرکز پخش آگاهی‌های محلی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شدند و افکار عمومی و مذهبی را شکل می‌دادند. حتی انجمن‌های حرفه‌ای اصناف و تجمع ورزشی زورخانه هم در ردیف نهادهای مذهبی به شمار می‌رفتند و در سازماندهی مراسم عمومی مذهبی همچون مراسم سینه‌زنی و قمه‌زنی و دسته‌های عزاداری فعال بودند. مکتب‌ها و مدارس پایگاه علمای دینی محسوب می‌شدند. درس‌هایشان ابتدایی و محدود به خواندن و نوشتن و روخوانی بعضی از متون ادبی مثل گلستان سعدی و دیوان حافظ و مشق قرآن و دستور زبان عربی بود.

تاسیس مدارس جدید به سبک اروپا، تغییر محتوای درسی و توسعه مطبوعات از عواملی بود که به تدریج فرهنگ شهری را متحول کرد. از این جهت بررسی تحولات اجتماعی دهه ۱۲۹۰ (یعنی دوره پس از انقلاب مشروطه و درهم شکستن نظام سنتی قاجار تا سرآغاز تحکیم پایه‌های حکومت مطلقه رضا شاه)، مهم است. در این دوره مطبوعات به سرعت رشد کرد. اندیشه‌های نو با سرعت بیشتر و به طور گسترده‌تری از اروپا به ایران رسید و در میان اقشار مختلف اجتماعی پخش شد. علاقه مردم به مطبوعات به حدی رسید که خواندن روزنامه، حتی نسخه‌های کهنه آن، در محافل عمومی همچون قهوه‌خانه‌ها با صدای بلند محبوبیت یافت.

به طور کلی می‌توان گفت اکثر مردم همچنان پیگیر سنت‌های چند صد ساله زندگی و افکار کهن خود بودند. تغییراتی که جریان داشت عموماً به جماعت تحصیل کرده شهرهای بزرگ محدود می‌شد. در سطح اندیشه:

۱۳- رقم دقیقی برای آن سال‌ها در دست نیست، اما در نظر بگیرید که حدود ۵۰ سال بعد، یعنی در دهه ۱۳۵۰، فقط حدود ۵۰ درصد از مردم باسواد بودند.

اکثر مردم زندگی را یک قضا و قدر ناشناخته و غیرقابل تغییر آسمانی می‌شناختند. فرهنگ عمومی مردم ترکیبی از روایات واقعی و افسانه‌ای درباره زندگی اولیای شیعه بود. نقش موجودات آسمانی در تعیین شکل و محتوای زندگی روزمره آدمیان امری پذیرفته شده بود. هنوز راه بسیاری در پیش بود تا زندگی و فرهنگ عمومی مردم تغییر کند.

با توجه به این زمینه می‌توان در ساختار فکری بازرگان تا قبل از اعزام به فرانسه دو عنصر را تشخیص داد: نوعی مذهب شبه سنتی که با مفاهیم جدید علمی مدرسه‌ای درهم آمیخته بود. خانواده، به خصوص پدر در شکل دادن به اولی نقش داشت و مدرسه، به خصوص فروغی، در هر دوی آنها. بازرگان جوان در سال ۱۳۰۷ از طریق اتحاد شوروی راهی فرانسه شد.

## فرانسه

در فرانسه بازرگان به افکار مذهبی‌اش وفادار ماند، به آنها شاخ و برگ داد. با افکار علمی آشنا شد. به مسائل اجتماعی و سپس سیاسی گرایش پیدا کرد. تردید نیست که تحصیل، کار و زندگی در فرانسه تاثیر عمیقی بر اندیشه دانشجوی جوان گذاشت. بسیاری از افکار مذهبی، اجتماعی و سیاسی‌اش ریشه در این دوران دارد. حتی چهل سال بعد که خاطراتش را نوشت به تاثیر عمیق اروپا اشاره داشت.

تمام این مناظر و وقایع [اروپا] برای ما که در ایران پا از جاده خاکی بیرون نگذاشته بودیم و اولین بار کراوات زدن را در تالار وزارت معارف یادمان داده بودند، بسیار جالب و عجیب و گیج‌کننده بود. عیناً مثل کودک پانزده ماهه که به هر چیز حمله می‌کند و می‌خواهد آن را بدست بگیرد و ورنه انداز کند، با ولع فوق‌العاده به همه طرف نگاه می‌کردیم. می‌خواستیم تمام آثار تمدن و مزایا و دارایی‌های آنها را بیلعیم.<sup>۱۴</sup>

برای محصلی جوان، خوش ذوق و باهوش که از یک جامعه سنتی و عقب مانده به اروپا می رود طبیعی است که تمدن اروپایی - به خصوص در اولین دهه بعد از جنگ اول جهانی - جذاب باشد. در واقع جذبه قوی بود. بسیاری از تحصیل کردگان ایرانی در اروپا، که عمق عقب ماندگی جامعه ایرانی را فهمیدند باور کردند که باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد.<sup>۱۵</sup> اما بازرگان متفاوت بود. جامعه فرانسه بدون تردید بر افکار و اندیشه اش تاثیر عمیق گذاشت اما او به مقدار قابل توجهی در برابر این تاثیر مقاومت کرد. مقاومتی که در آن زمان و برای این تیپ نمونه بود. به علاوه، مقاومتش در برابر فرهنگ اروپا خودآگاه بود. در اولین سخنرانی که (با عنوان «سوغاتی فرنگ» در سفارت ایران در پاریس) کرد از همشاگردی ها به خاطر ضعف و تسلیم در برابر راه و روش زندگی اروپایی انتقاد کرد. گفت: همانطور که عرض شد در انتخاب ارمغان فرنگ... سلیقه ها و نظریات بیشماری پیش می آید. سلیقه اول سلیقه نداشتن و عدم طرح مسئله است. از این که بگذریم، بعضی دیگر، با عبارت ساده، آنچه را که میان زمین و آسمان ایران بینند به نام توحش و آنچه را در اروپا... بشناسند به چشم تمدن می نگرند. همچنین در جهت عکس بعضی به عبارت موجزی گفته اند تمدن اروپا باید برای ما نان و تمدن شرق روح تهیه کند. ... ادعای دیگر که ایرانی باید از سر تا پا ظاهراً و باطناً فرنگی شود در قدم اول به سه اشکال بزرگ برمیخورد: اولاً حرف مبهمی است... ثانیاً محال است. ثالثاً بی ثمر.<sup>۱۶</sup> بررسی اندیشه مذهبی بازرگان در این دوره ضروری است، چرا که مذهب می رفت تا در اندیشه سیاسی اش و در حوزه سیاسی ایران نقش بزند. نقشی که، برای بازرگان، ریشه در آن ایام دارد. ایامی که فرانسه

۱۵- ظاهراً نخست سید حسن تقی زاده (تولد ۱۲۵۸) این اصطلاح را بکار برد و عمومی کرد. تقی زاده در مصر تحصیل کرد. از اعضای مجلس شورای اول بود. از رهبران حزب دمکرات شد. چند پست وزارت داشت، سفیر ایران در انگلیس و سپس استاد دانشگاه کمبریج شد. به نقل از *چهل پرده از زندگی رجال* (انتشارات امید، تهران، ۱۳۲۴).

۱۶- کپی متن اصلی سخنرانی در دست ماست.